میزخبر

مدیران بیمارستان گاندیِ تهران دست‌کم سه بار اخطار گرفته بودند

هتل بیمارستان گاندی، پنجم بهمن ماه، دچار آتش سوزی شدید شد و براساس گزارش های اولیه خبرگزاری ها «حدود ساعت ۱۹ شامگاه پنج شنبه؛ پنجم بهمن ماه نمای ساختمان بخش هتلینگ بیمارستان گاندی در قسمت شرقی آن در خیابان ولی عصر تهران، دچار حریق شده و به دلیل جنس نمای این بیمارستان، آتش به سرعت به دیگر بخش های این مرکز درمانی نیز سرایت کرد.»

در پی وقوع این حادثه، مدیران شهرداری و آتش نشانی عنوان کردند که مدیریت این بیمارستان دست کم سه بار اخطار ایمنی دریافت کرده، اما در این زمینه اقدامی نکرده است. به گفته سخنگوی سازمان آتش نشانی تهران، آتش از نمای ساختمان آغاز شد و به داخل سرایت کرد و بعد از حدود سه ساعت با تلاش آتش نشانان مهار شد.

خبرگزاری ایسنا روز جمعه، ششم بهمن، نوشت که از ۹۳ بیماری که روز پنج شنبه جزء پذیرش شدگان بودند، ۵۱ بیمار به هنگام حریق در بیمارستان حضور داشتند که «همگی با هماهنگی شبکه بهداشت [به مکان امن] منتقل شدند.»

به گفته مدیران شهری تهران، این حریق هیچ تلفات و مجروحی نداشته است. با این حال وقوع این حریق بزرگ در بیمارستان بار دیگر مسئله ساختمان های ناایمن در پایتخت کشور را در رسانه ها برجسته کرده است.

به اذعان مدیر بحران منطقه ۶ شهرداری تهران، «۴۰ بیمارستان این منطقه به خاطر ناایمن بودن وضعیت ساختمان ها تاکنون سه بار اخطار ایمنی دریافت کرده اند.»

یکی از این بیمارستان ها هم بیمارستان گاندی بوده که به بیان این مدیر شهرداری در سه جلسه ای که با مدیران آن برگزار شده «مقرر شد که مسئولان بیمارستان گاندی یک مشاور برای چگونگی اجرای به روزترین سیستم های اطفا و اعلان حریق به منظور رعایت ایمنی در فازبندی های مختلف داشته باشند.»

این موضوعی است که مدیران بیمارستان بابی توجهی از کنار آن گذشته اند. این در حالی است که به گفته جلال ملکی، سخنگوی آتش نشانی تهران، بیمارستان گاندی در پنج جلسه که آخرین آن در آبان سال جاری برگزار شده «هشدار و اخطار دریافت کرده» است. برابر آنچه که مرکز رسانه قوه قضائیه اعلام کرده است، در ارتباط با این حادثه و بررسی علت آن نیز پرونده قضائی تشکیل شده است. در همین راستا پس از وقوع آتش سوزی در بیمارستان گاندی تهران، با دستور علی صالحی، دادستان تهران، یکی از معاونین دادستان تهران و بازپرس ویژه در محل حادثه حاضر شدند. مسئله عدم رسیدگی به ساختمان های ناایمن در پایتخت از سال ها پیش مطرح است و پس از حادثه آتش سوزی ساختمان پلاسکو تاکنون چند فهرست از بناهای ناایمن و در خطرِ تهران تهیه شده است.

رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمانِ کشوری هم در مردادماه سال جاری گفته بود که هزار ساختمان ناایمنِ دارای بیش از ۱۲ طبقه در تهران شناسایی شده که مستعد آتش سوزی اند. دو ماه پیش ترهم رئیس کل دادگستری استان تهران تأیید کرده بود که ساختمان «کلینیک هزارتختخوابی مهدی» در تهران در شرایط و وضعیت ناایمن قرار دارد.

تبعات ادغام صندوق‌های بازنشستگی

کارشناس رفاه و تأمین اجتماعی گفت: ادغام صندوق های بازنشستگی امکان پذیر نیست، این ادغام به مانند ادغام آب و روغن است؛ دو چیزی که از جنس متفاوت هستند، ادغام آن ها تأثیری ندارد و تنها آن ها را به هم ریخته ایم.

عباس ورنگ، کارشناس رفاه و تأمین اجتماعی در گفت‌وگو با خبرنگار رفاه اجتماعی خبرگزاری فارس در ادغام صندوق های بازنشستگی و آثار آن در جامعه، اظهار کرد: ادغام صندوق های بازنشستگی امکان پذیر نیست، این ادغام به مانند ادغام آب و روغن است؛ دو چیزی که از جنس متفاوت هستند، ادغام آن ها تأثیری ندارد و تنها آن ها را به هم ریخته ایم. کارشناس رفاه و تأمین اجتماعی ابراز کرد: زمانی ادغام معنا پیدا می کند که ابتدا بیاییم قواعد، مقررات و شرایط این صندوق ها را شبیه هم کرد، نمی شود با نرخ ها تعهدهای متفاوت این ها را با هم ادغام کرد و در گام نخست باید فرآیند عضوگیری و بیمه پردازی را تغییر دهیم. ورنگ ابراز کرد: در دولت تعدادی از بیمه شدگان و پرسنل تحت شمول تأمین اجتماعی قرار دارند و قاعده برخورد سازمان با کارکنان دولت و کارگران طبیعتا متغیر است و تبعیض می شود.

در نشست مدرسه روزنامه نگاران زاگرس مهربان مطرح شد:

مافیای آب و مسئولیت‌زدایی از دولت

گروه اجتماعی

«نه می توان با گزاره‌ای کلی گفت مالکیت آب و مدیریت آن در گذشته مردمی بوده و نه این گزاره کلی درست است که اکنون دولتی شده است. به منظور پرداختن به دلایل ناپایداری منابع آب نیز تحلیل پیچیده تری نیاز است و در این میان نباید از نقش تکنولوژی (در استحصال، انتقال و بهره برداری آب، تولید کشاورزی، حمل و نقل، فراوری، نگهداری، توزیع و بازار محصولات)، تغییرات در تقاضا (افزایش جمعیت، تحولات شیوه تولید و تغییرات سبک زندگی) و بسیاری دیگر از تغییرات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... غافل ماند.» «معرفی عامل وضعیت کنونی با موجودی مبهم به نام مافیای آب که حاصل بی‌عملی دولت است، مرحله‌ای از ساده سازی مسئله است.» «اهمیت آمایش سرزمین و تأثیر بی توجهی به آن بر وضعیت منابع آب بسیار مهم است. ما نیازمند آمایشی بوده ایم که توزیع جمعیت و فعالیت اقتصادی در فضا را به درستی مشخص کند.» این کار هم وظیفه «سازمان برنامه و هیئت وزیران و رئیس جمهور است.» البته به همراه دولت باید «یک بدنه کارشناسی قوی، شرکت های مشاور داخلی و دانشگاه ها حضور پیدا کنند، نه اینکه هر دانشگاهی برای منطقه خودش دخالت بکند؛ فلان دانشگاه کوچک که نمی تواند این کار را رابکند. این کار افراد پخته، با تجربه و دنیا دیده است که به مسائل برنامه ریزی دنیایی و مسائل کلان و دیپلماسی آب آشنایی داشته باشند.»

این ها، بخشی از مباحثی است که در نشست مدرسه روزنامه نگاران زاگرس مهربان مطرح شد. نشستی که تنها به اظهارات پیش گفته بسنده نشد و با صراحت تمام، سخنان متخصصان واکاوی و مورد نقد جدی قرار گرفت.

سروش طالبی، پژوهشگر حوزه آب از جمله شرکت کنندگان در این نشست بود. او کوشید، در عین تأکید بر جریان سازی متخصصان در مباحث علمی و کنشگری آب، از صحبت های آنان در مواردی انتقاد کرده و نکات حائز اهمیتی را با مخاطبان در میان بگذارد.

طالبی گفت: بسیاری از متخصصان حوزه آب، افراد مهم و تأثیرگذاری بوده اند و به همین دلیل شایسته است که نقد شوند. اهمیت آن هابه واسطه شخصیت علمی ویژه و مجموعه گسترده‌ای از تألیفات، سمت‌ها و عناوین علمی‌شان است. به پشتوانه همین شخصیت علمی و بیان شیوا، آن‌ها افرادی جریان ساز در مباحث علمی و کنشگری آب هستند. همانگونه که برخی از آنان همچون محمدحسین پاپلی یزدی در سخنرانی اخیر خود در نشست مدرسه روزنامه نگاران زاگرس مهربان می گوید، «او بود که مفهوم مافیای آب را صورت بندی و معرفی کرد، مفهومی که در یک دهه اخیر بر سر زبان ها افتاد». بخش دیگری از اهمیت آنان به این دلیل است که متعلق به دوره و گفتمانی هستند که اکنون نیز مجددا مورد توجه قرار گرفته است. از دوره‌ای حرف می‌زنم که پژوهشگران آن با عشق فراوان مشقت های زیادی را برای شناخت عمیق و میدانی و حفظ میراث روستاها و سازوکارهای بهره برداری آب و زمین پذیرفتند و آثاری مهم خلق کرده اند. جریانی که به ویژه در دهه های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ اهمیتی قابل توجه در علوم اجتماعی ایران داشت. گفتمان حاصل از این دوره، سنت آب و کشاورزی ایران را بسیار شاخص می داند و گاهی به دنبال بازگشت به گذشته، یا حداقل بهره مندی از مزیت های آن برای مسائل اکنون است. آنچه معتقدم دوباره مورد توجه قرار گرفته نه روش پژوهش اصحاب این دوره برای حضور و مطالعه عمیق در روستا، بلکه رویکرد آن ها در جهت تمایل به سنت برای حل مسائل امروز است.

طالبی با اشاره به سخنرانی پاپلی یزدی در نشست زاگرس مهربان عنوان کرد: این سخنرانی سه محور یا مدعای اصلی داشت و می خواهم سه محور را مورد نقد و بررسی قرار دهم. مدعای اول گسستی را در بهره برداری آب ایران تشخیص می دهد که طی مدیریت مردمی آب تبدیل به مدیریت دولتی می شود، مورد دوم به آمایش سرزمین و مصائب فقدان آن اشاره می کند. در انتهای صحبت نیز مافیای آب و ریشه شکل گیری و نحوه عملکرد آن را بیان می کند. این سه محور مسائل اصلی مدیریت آب دانسته می شود و بلافاصله راهکار نیز از دل آن بیرون می آید. راهکاری که حرکت در مسیر مطلوب را مستلزم برگشتی تدریجی به مدیریت مردمی، تهیه و پیروی از آمایش سرزمین و تغییراتی در جهت حذف مافیای آب می داند.

این پژوهشگر حوزه آب در ادامه بیان کرد: «مدیریت آب تا پیش از دوره معاصر، یعنی پیش از تصویب قانون راجع به قنوات در سال ۱۳۰۹، مردمی و پس از آن دولتی شده و دولتی مانده است.» این گزاره دائم در صحبت های پاپلی یزدی تکرار می شود و تلاش می کند شواهدی برای آن ارائه دهد. اما معتقدم این ادعا بسیاری از جزئیات اساسی را پنهان می کند و تصویری غلط ارائه می دهد؛ تا جایی که وی نقش دولت ها در گذشته را صرفا به برقراری امنیت فرو می کاهد و در مقابل، این مردم هستند که با یاری هم آب را استحصال و مدیریت می کنند. آرشیوهای تاریخی نشان می دهد دولت های «پیشامدرن» به شکل های متنوع، نقش مهمی در مالکیت سرزمین، از جمله آب و زمین داشته اند. در دوره های مختلف شیوه های مالکیت بر آب و زمین یکسان نبوده و سهم خلافت، پادشاه، والی، دولت، تیولدار و اشخاص متغیر بوده است. با تغییرات حکومت، دولت یا اشخاص قدرتمند وابسته به آنها، اراضی نیز میان فاتحان جدید و مالکان قبلی دست به دست می شد. مالکیت شخصی و شکل جدیدی از ارباب و رعیتی در دوره پس از انقلاب مشروطه (و حذف تیول) است که تبدیل به شیوه متداول تری از مالکیت بر زمین و آب شده است. علاوه بر مالکیت بر زمین و آب، برخلاف آنچه پاپلی یزدی می گوید، دولت نقش مستقیمی در استحصال آب (با ساخت بندها و قنات ها) داشته و در مدیریت توزیع آب نیز وظایف محدود به مردم و ساختارهای مردمی نبوده است. البته این نظر منکر محلی بودن بسیاری از قواعد بهره برداری آب نیست؛ چه دولت متولی اجرای آن باشد و چه مردم. نقد من از عمال قدرت هریک از آنهاست که بسته به هر موضوع و هر منطقه خاص بودگی های خودش را دارد. بنابراین نه می توان با گزاره‌ای کلی گفت مالکیت آب و مدیریت آن در گذشته مردمی بوده و نه این گزاره کلی درست است که اکنون دولتی شده است. به منظور پرداختن به دلایل ناپایداری منابع آب نیز تحلیل پیچیده تری نیاز است و در این میان نباید از نقش تکنولوژی (در استحصال، انتقال و بهره برداری آب، تولید کشاورزی، حمل و نقل، فراوری، نگهداری، توزیع و بازار محصولات)، تغییرات در تقاضا (افزایش جمعیت، تحولات شیوه تولید و تغییرات سبک زندگی) و بسیاری دیگر از تغییرات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... غافل ماند. در این تحلیل گزاره «چون آب مال مردم نیست پس مثل مستأجر برخورد می کنند و دنبال حفاظتش هم نیستند» بسیار ساده می نماید.

آمایش، پاسخ کدام مسئله؟

طالبی با اشاره به دومین موردی که متخصصانی همچون پاپلی یزدی به آن اشاره می کنند، اظهار کرد: اهمیت آمایش سرزمین و تأثیر بی توجهی به آن بر وضعیت منابع آب را سوی پاپلی یزدی مطرح شده است. طبق نظروی ما نیاز مند آمایشی بوده ایم که توزیع جمعیت و فعالیت اقتصادی در فضا را به درستی مشخص کند. این کار هم وظیفه «سازمان برنامه و هیئت وزیران و رئیس جمهور و حکومت است.» البته به همراه دولت باید «یک بدنه کارشناسی قوی، شرکت های مشاور داخلی و دانشگاه ها حضور پیدا کنند، نه اینکه هر دانشگاهی برای منطقه خودش دخالت بکند؛ فلان دانشگاه کوچک که نمی تواند این کار را رابکند، این کار افراد پخته، با تجربه و دنیا دیده است که به مسائل برنامه ریزی دنیایی و مسائل کلان و دیپلماسی آب آشنایی داشته باشند.» در گذشته هم آمایش داشته ایم.

اما آنچه تحت عنوان آمایش بوده یا «توسط کارشناسان خارجی بوده که خود ما کنترلی بر آنها نداشته ایم یا اکنون نیز که خودمان آمایش نوشتیم به جای آنکه ابتدا در سطح کل تهیه شود و سپس اجزایش معین شود، از جزء به کل برای فضاها برنامه ریزی کرده و به همین جهت مناطق مختلف در تعارض و تقابل همدیگر قرار گرفته اند.» اما از نظر من پاپلی یزدی اینجا با آنچه خودش کمی پیشتر می گفت، دچار تزاحم می شود. آمایش دولتی سازی برنامه ریزی منابع است و منابعی که قاعدتا وقتی در اختیار و کنترل خود دولت است می تواند برایش برنامه ریزی کند. تصمیم سازی ها را هم مشاورانی انجام می دهند که قرار است کمی جلوتر آنها را مافیا بنامد. اتفاقا توصیه می شود که این برنامه ریزی و تصمیم سازی نیز باید از کل به جزء (با مرکزیه پیرامون) انجام شود تا مقبول بیفتد. اما مگر همین تملک و کنترل و تصمیم گیری و مدیریت تمرکزگرا نبود که نقد می شد؟ تنها چیزی که اینجا تغییر می کند این است که این مرکز، علاوه بر آب و زمین، کنترل خود را بر جنبه های دیگری از جمعیت و اقتصاد و استقرار آن نیز گسترش دهد. به نظرم این تناقض درونی ناشی از آن است که به جای پذیرش تعارض و نزاع در بهره برداری از منابع و تلاش به منظور یافتن سازوکاری برای هم‌زیستی با آن، تمایل به حل و فصل کردن شاید به عبارتی سیاست زدایی از آن دارد. اما این هدف آنقدر نشدنی است که مجبور می شود راهکار را همان چیزی بداند که کمی قبل هم مشکل را ناشی از آن دانسته است.

گربه مرتضی علی باز هم چهار دست و پا به زمین می آید و دولتی شدن، مشاور محوری و تمرکزراهکار مسئله می شود.

معرفی موجودی مبهم به نام مافیای آب، ساده‌سازی مسئله است

طالبی افزود: تا اینجای کار در بررسی آنچه در دهه های اخیر بر مدیریت منابع آب گذشت، از جامعه و خود آب، طبیعت، ابزارها و سازه ها و سایر اشیا سوژه زدایی شد. نقش مردم به مستأجری تقلیل یافت که چون مالک نیست، انگیزه اش محدود به تخریب گری می شود. همانطور که نقش رفتار رود و آبخوان برای شکل دادن به قواعد و رفتارهای انسانی نادیده گرفته شد. و همانطور که نقش قحطی و سیل و خشکسالی و ریزگرد در انگیزه انسان برای مجهز شدن و تلاش در جهت مقهور کردنشان یا سازگاری با آن ها دیده نشد. و همانطور که نقش سدها و بتن ها و لوله ها و پمپ ها و تونل ها در دلربایی از انسان برای رفع نیازهایش کم ارزش شمرده شد. حالا نوبت آن است که پاپلی یزدی از دولت نیز که پیش‌تر در جایی مسئله و در جایی راهکار شمرده شده، موجودی بی‌عمل بسازد تا پای مافیای آب به میان آید.

مافیای آب جایی ظهور می کند و حاصل شرایطی است که «وزارت نیرو از خودش طرح و برنامه‌ای ندارد و شرکت های مشاور آن را هدایت می کنند. شرکت هایی که صدها کارشناس درجه یک دارند، آخرماه باید چند میلیارد حقوق بدهند، تخصصشان فقط در زمینه آب است و سیاست خارجی هم اجازه نمی دهد پروژه های خارجی داشته باشند. بنابراین به منافع شرکت خودشان توجه می کنند و نه منافع ملی. به جای آنکه به جمعیت کل کشور و آمایش توجه کنند دنبال این می روند که آب بیاورند و برای این کار دولت را هم همراه می کنند. الان جایی نیست که سد بسازند و بنابراین می روند دنبال انتقال آب.» اما معرفی عامل وضعیت کنونی با موجودی مبهم به نام مافیای آب که حاصل بی‌عملی دولت است، مرحله‌ای دیگر از ساده سازی مسئله است. گفتمان سازه محوری که حاصلش در دوره‌ای سد و شبکه آبیاری بوده و در دوره‌ای دیگر انتقال آب، از شبکه‌ای پیچیده تشکیل شده که علاوه بر کنشگران انسانی و ناانسانی که پیش تر ذکر کردم دولت نیز در بر ساخت آن نقشی اساسی داشته است.

وقتی از نقش شرکت های مشاور هم حرف می زنیم باید به یاد بیاوریم که این شرکت ها توسط دولت و برای هدف های دولت ایجاد شده اند، برایشان پروژه تعریف شد، پروژه هایشان تأمین مالی شد و اتفاقا وقتی زمان سرمستی «افتخار ملی پروژه های عمرانی» تمام شد، دولت از اینکه کاسه و کوزه بر سرشان شکسته شود نیز استقبال کرد. بدون شک اگر قصد نقد کردن وضع موجود و چرایی رسیدن به اینجا را داشته باشیم، حتما یکی از مقصرین شرکت های مشاور هستند. ولی به نظر من به جای اینکه نقش آن ها را بریدن و دوختن صفر تا صد پروژه ها بدانیم، باید آن ها را به خاطر «پیچیدن در هرجهتی که دولت فرمان را بپیچید» و «فقدان استقلال کارشناسی و اخلاق مهندسی» نقد کرد.

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی شهرستان بروجرد-سری ۴۹ جمعی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی ،املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی بروجرد مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل در دو نوبت آگهی می گردد.

در صورتی که هرکس نسبت به صدور سند مالکیت بنام متقاضیان اعتراض داشته باشد می تواند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتباً به اداره ثبت اسناد واملاک محل تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خودرا به مراجع محترم قضایی تقدیم وگواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نماید، در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست .

۱ – تقاضای «حسن گودرزی» فرزند «رجب» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۱۳۰۱/۹۰» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۷۷۳» فرعی از «۱۸» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «رجب گودرزی»

۲ _ تقاضای «حسن گودرزی» فرزند «رجب» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۱۶۴۰۲/۵۰» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۷۹۶» فرعی از «۱۸» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «رجب گودرزی»

۳ _ تقاضای «حسن گودرزی» فرزند «رجب» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۸۶۸۴/۰۷» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۷۸۹» فرعی از «۱۸» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «رجب گودرزی»

۴ – تقاضای «حسن گودرزی» فرزند «رجب» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۱۲۸۹/۱۴» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۷۹۰» فرعی از «۱۸» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «رجب گودرزی»

۵ – تقاضای «حسن گودرزی» فرزند «رجب» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۱۷۱۷/۳۱» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۷۸۸» فرعی از «۱۸» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «رجب گودرزی»

۶ _ تقاضای «حسن گودرزی» فرزند «رجب» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۶۲۱/۶۴» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۸۰۹» فرعی از «۱۸» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «رجب گودرزی»

۷ – تقاضای «حسن گودرزی» فرزند «رجب» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۴۱۲۳/۹۰» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۷۹۵» فرعی از «۱۸» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «رجب گودرزی»

۸ – تقاضای «حسن گودرزی» فرزند «رجب» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۴۴۲۶/۶۱» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۷۸۲» فرعی از «۱۸» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «رجب گودرزی»

۹ – تقاضای «حسن گودرزی» فرزند «رجب» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۱۹۹۷/۹۶» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۷۸۰» فرعی از «۱۸» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «رجب گودرزی»

۱۰ _ تقاضای «حسن گودرزی» فرزند «رجب» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۱۷۹۱/۰۵» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۷۷۹» فرعی از «۱۸» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «رجب گودرزی»

تاریخ انتشار نوبت اول :(۱۴۰۲/۱۰/۲۱) تاریخ انتشار نوبت دوم: (۱۴۰۲/۱۱/۰۷)

محمد آجرلو سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک بروجرد

شناسه آگهی: ۱۶۲۷۵۲۴

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی شهرستان بروجرد-سری ۵۰ جمعی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی ،املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی بروجرد مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل در دو نوبت آگهی می‌گردد.

در صورتی که هرکس نسبت به صدور سند مالکیت بنام متقاضیان اعتراض داشته باشد می تواند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتباً به اداره ثبت اسناد واملاک محل تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خودرا به مراجع محترم قضایی تقدیم وگواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نماید، در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه صالح قضایی دادخواست تقدیم نمایند و ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خودرا به اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست .

۱ – تقاضای «حسن گودرزی» فرزند «رجب» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۱۳۰۱/۹۰» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۷۷۳» فرعی از «۱۸» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «رجب گودرزی»

۲ _ تقاضای «حسن گودرزی» فرزند «رجب» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۴۱۰۹/۵۵» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۸۱۱» فرعی از «۱۸» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «رجب گودرزی»

۳ _ تقاضای «حسن گودرزی» فرزند «رجب» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه باغ» بمساحت «۱۷۶۶/۶۹» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۷۷۵» فرعی از «۱۸» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «رجب گودرزی»

۴ – تقاضای «حسن گودرزی» فرزند «رجب» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه باغ» بمساحت «۹۷۱/۲۴» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۷۹۷» فرعی از «۱۸» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «رجب گودرزی»

۵ – تقاضای «حسن گودرزی» فرزند «رجب» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه باغ» بمساحت «۱۳۳۲/۵۰» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۷۸۶» فرعی از «۱۸» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «رجب گودرزی»

۶ – تقاضای «حسن گودرزی» فرزند «رجب» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه باغ» بمساحت «۹۱۳/۶۵» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۷۷۸» فرعی از «۱۸» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «رجب گودرزی»

۷ – تقاضای «حسن گودرزی» فرزند «رجب» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه باغ» بمساحت «۱۲۰۰/۲۳» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۷۸۱» فرعی از «۱۸» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «رجب گودرزی»

۸ – تقاضای «حسن گودرزی» فرزند «رجب» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه باغ» بمساحت «۲۶۵/۱۵» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۷۷۷» فرعی از «۱۸» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «رجب گودرزی»

۹ – تقاضای «حسن گودرزی» فرزند «رجب» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه باغ» بمساحت «۳۹۵/۷۱» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۷۷۴» فرعی از «۱۸» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «رجب گودرزی»

۱۰ _ تقاضای «حسن گودرزی» فرزند «رجب» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه باغ» بمساحت «۱۶۶۷/۹۸» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۷۹۹» فرعی از «۱۸» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «رجب گودرزی»

تاریخ انتشار نوبت اول :(۱۴۰۲/۱۰/۲۱) تاریخ انتشار نوبت دوم: (۱۴۰۲/۱۱/۰۷)

محمد آجرلو سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک بروجرد

شناسه آگهی: ۱۶۲۷۵۲۷

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۲۴۰۰۷۰۰۰۲۶۱ مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۰۴ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ثبت ملک دیلم تصرفات مالکانه وبلامعارض متقاضی آقای ابوالفتح امیری فرزند مراد به ش.ش ۲۸۴ صادره دیلم از دریک ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۵۸۴۶/۱۸ مترمربع پلاک ۲۷ فرعی از ۲۹ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۳۹ اصلی بخش ۷ بوشهر واقع در روستای چاه شیرین خریداری از مالک رسمی وزارت تعاون وامور روستاها محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۱۱/۰۷

حمید شهدوست
رئیس اداره ثبت اسناد واملاک شهرستان دیلم

==========

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۰۲۸۵۳ مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۱۸ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کلاله تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم گل بهار بسطام زاده فرزند جبارقلی به ش.ش ۳۸۳ صادره از کلاله در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۲۰۳/۷۵ مترمربع مفروز و مجزا شده از پلاک ۳۷۵ فرعی از ۲۱۳-اصلی واقع در بخش ۹ شهرستان کلاله خریداری مع الواسطه از مالک رسمی آقای علیرضا شیخ محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۱۱/۰۷
م الف ۱۱۸۰۲

بهمن سارلی - رئیس ثبت اسناد واملاک کلاله

==========

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۰۴۰۰۸۹۲۴ مورخ ۱۴۰۲/۷/۱۳ موضوع کلاسه ۱۳۹۹۱۱۴۴۱۲۰۰۴۰۰۰۱۱۶ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک گنبدکاووس تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم مریم سدیدی فرزند حاجی اسماعیل در ششدانگ یک قطعه زمین احداث بنا شده به مساحت ۲۰۰ مترمربع جدا شده از پلاک ۲۰۸ فرعی از ۱ اصلی واقع در گنبدکاووس کمربندی صیاد شیرازی روبروی یگان سپاه انتهای کوچه ۵ پشت کارخانه پنبه بخش ۱۰ حوزه ثبت ملک گنبد انتقال ملک مع الواسطه از مقدادی و مختارزاده لذا به منظور اطلاع عموم این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضائی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۱۰/۱۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۱۱/۰۷ م الف ۱۰۵۵۸

هادی عطائی مقدم
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک گنبدکاووس

==========

**آگهی ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی ارا